

یادداشت‌ها

۱- تزه‌های آوریل: پس از پیروزی انقلاب فوریه روسیه و سرنگونی تزار، و پیش از بازگشت لنین از تبعید به روسیه، رهبران بلشویک آن زمان که در روسیه بودند و به طور مشخص استالین و کامنف موضع حمایت انتقادی از حکومت موقت را که یک حکومت سرمایه داری بود اتخاذ کرده بودند و در مورد جنگ امپریالیستی جهانی اول که روسیه نیز درگیر آن بود، تحت لوای "دفاع از سرزمین پدری" از ادامه جنگ حمایت کردند.

لنین پس از بازگشت به روسیه در روز ۴ آوریل ۱۹۱۷، یک سره به مخالفت با این سیاست‌ها برخاست و مخالفت خود را در سندی که به نام "تزه‌های آوریل" مشهور است ارائه کرد. در "تزه‌های آوریل" لنین لزوم کسب قدرت توسط پرولتاریا و اتخاذ سیاست مستقل از سرمایه داران و هم چنین پایان جنگ امپریالیستی را اعلام کرد. تروتسکی این مبارزات درون حزبی لنین را "تجدید سلاح حزب بلشویک" نام گذاشته است.

۲- سوسیال-پاتریوتیک: این عنوان به کسانی اطلاق می‌شد که در جنگ جهانی اول از یک طرف خود را سوسیالیست می‌خواندند و از سوی دیگر تحت عنوان میهن پرستی (پاتریوتیزم) به حمایت از سرمایه داران داخلی و حکومت آن‌ها بر می‌خاستند.

۳- نارودنیک ها گروهی بودند که در اوائل قرن بیستم در روسیه پدید آمدند و نیروی انقلابی اجتماعی را اساساً دهقانان می دانستند. نارودنیک ها بیشتر فعالیت خود را نیز در میان دهقانان متمرکز ساخته بودند.

۴- کمون پاریس: در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ در اثر یک انقلاب کارگری در پاریس حکومتی کارگری به قدرت رسید که به "کمون پاریس" شهرت یافته است. این حکومت هفتاد و دو روز بعد و پس از یک سری مبارزات خونین، در ۲۸ مه ۱۸۷۱ سرنگون شد.

۵- آلماتا: منطقه ای نزدیک مرز روسیه و چین. تروتسکی در سال ۱۹۲۸ به آلماتا تبعید شد.

۶- انقلاب ۱۹۱۸ آلمان: پس از پیروزی انقلاب اکتبر و در اثر تأثیرات جنگ جهانی اول بر آلمان، در سال ۱۹۱۸ انقلابی کارگری در آلمان به وقوع پیوست که در اثر خیانت رهبران سوسیال دموکراسی در این کشور و سازش آنان با سرمایه داران، این انقلاب به شکست انجامید. ولی در اثر این انقلاب سلطنت سرنگون شد و "جمهوری وایمر" تشکیل گردید.

۷- انترناسیونال دوم (یا بین الملل دوم و یا بین الملل سوسیالیست): این سازمان در سال ۱۸۸۹ به عنوان جانشین بین الملل اول که بین سال های ۱۸۶۴ و ۱۸۷۶ وجود داشت و توسط مارکس رهبری می شد، ایجاد گردید. این سازمان شامل احزاب سوسیالیستی و کارگری در کشورهای مختلف بود و مهم ترین بخش آن را سوسیال دموکراسی آلمان به رهبری کائوتسکی تشکیل می داد. سوسیال دموکراسی روسیه نیز که انقلابیون نظیر لنین و تروتسکی در آن فعالیت داشتند، بخشی از این بین الملل بود. در سال ۱۹۱۴ پس از بروز جنگ جهانی اول، اکثر رهبران این بین الملل به حمایت از حکومت های

سرمایه داری کشورهای خود پرداختند و سوسیال دموکرات ها در دو طرف جبهه های جنگ به دو نیروی متخاصم تبدیل شدند و بدین ترتیب اصول انترناسیونالیزم کارگری را زیر پا گذاشتند. در عین حال اقلیتی مانند لنین، تروتسکی، روزالوکزامبورگ و کارل لنینخت با این خیانت سوسیال دموکراسی به مخالفت پرداخته و به اصول هم بسته گی بین المللی کارگری علیه سرمایه داران و جنگ های امپریالیستی وفادار ماندند.

پس از پایان جنگ جهانی اول کلیه ی احزاب بین الملل دوم به شکل احزابی رفرمیست و سازش کار در آمدند که امروزه نیز هم چنان به فعالیت های رفرمیستی خود ادامه می دهند.

۸- کومینترن (یا انترناسیونال کمونیستی، یا بین الملل سوم): پس از خیانت رهبران بین الملل دوم، اقلیتی که در این بین الملل به مخالفت با سیاست های سازش کارانه اکثریت برخاسته بود، نیاز به تشکیل بین المللی جدید را اعلام داشت که البته برخی از همین اقلیت که به نام جناح "سنتر" و یا "سانتریست" خوانده می شدند این چشم انداز را رد می کردند. پس از پیروزی انقلاب روسیه امکان تشکیل این بین الملل پدید آمد و در سال ۱۹۱۹ بین الملل سوم تحت رهبری لنین و تروتسکی تأسیس و اولین کنگره ی آن در اتحاد شوروی برگزار شد.

با آغاز انحطاط حزب کمونیست شوروی و تحکیم قدرت توسط بوروکراسی استالینیستی، بین الملل سوم نیز به تدریج پس از چهار کنگره ی اول آن رو به زوال و تبعیت از سیاست های استالینیستی نهاد. کنگره ی پنجم آن پس از آن که استالین کنترل را به دست گرفته بود در سال ۱۹۲۴ تشکیل شد. و سپس دو کنگره ی بعدی آن به طور نامرتب در سال های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۵

تشکیل شد. در سال ۱۹۴۳، استالین برای اثبات حسن نیت اش به متفقین امپریالیست خود در جنگ جهانی دوم و این که اتحاد شوروی علاقه ای به انقلاب سوسیالیستی در کشورهای دیگر ندارد، بین الملل سوم را رسماً منحل ساخت.

۹- کمیته آنگلو- روسی: به دنبال اتخاذ سیاست های غلط از سوی رهبری استالین و کومینترن، نمایندگان اتحادیه های کارگری شوروی و اتحادیه های کارگری انگلستان در ۱۹۲۵ دست به تشکیل کمیته ی آنگلو- روسی زدند، تحت سرپوش همین کمیته بود که رهبران رفرمیست اتحادیه های کارگری انگلستان توانستند اعتصاب عمومی کارگران انگلستان در سال ۱۹۲۶ را منحرف و به شکست منجر سازند. تروتسکی قبلاً خواستار خروج نمایندگان شوروی از این کمیته شده بود. آلبرت پورسل و جورج هیک اعضای انگلیسی این کمیته بودند.

۱۰- موژیک: اصطلاح روسی به معنای دهقان فقیر. در مقابل آن اصطلاح کولاک به معنای زمین دار بزرگ قرار دارد.

۱۱- سانتریست های دست راستی: منظور جناح استالین- بوخارین است که سیاست های اپوزیسیون چپ علیه مواضع آنان اتخاذ شده بود. سانتریست به نیروهائی اطلاق می شود که فاقد برنامه ی مشخص در مبارزه ی طبقاتی بوده و سیاست های آنان مابین قطب سیاست رفرمیستی و قطب سیاست انقلابی نوسان می کند.

۱۲- سوسیال- رولوسیونرها (یا اس- آرها): در سال ۱۹۰۰ حزب سوسیال رولوسیونرها در روسیه تشکیل شد و بیشتر نفوذش در میان دهقانان آن کشور افزایش یافت به طوری که در انقلاب ۱۹۱۷ بزرگ ترین حزب دهقانی

بود. بلافاصله پس از انقلاب اکتبر، در این حزب انشعاب شد و جناح چپ آن از حکومت بلشویک‌ها حمایت کردند و جناح راست علناً به مخالفت با حکومت شوراهای پرداخت.

۱۳- پالوس و سالوس: نام دو تن از حواریون حضرت مسیح که اولی مظهر تقدس و ایمان و دومی مظهر بی‌ایمانی و نامقدسی است.

۱۴- سنکولات‌ها: اصطلاحی بود که از طرف اشرافیت فرانسه برای انقلابیون آن کشور بکار برده می‌شد. معنای لغوی آن "بدون شلوار اسب سواری" است و مناسبت آن چنین بود که تا قبل از وقوع انقلاب کبیر فرانسه، سربازان اشرافیت و خود آنان با شلوارهای مخصوص سوارکاران بر اسب می‌نشستند و پس از انقلاب که توده‌ی مردم بخش عمده و اصلی سواره نظام انقلابی را تشکیل می‌دادند، شلوار عادی جانشین شلوار مخصوص سوارکاران شد. از همین رو اشراف فرانسه از روی تمسخر سربازان ارتش انقلابی جمهوری را با این لقب خطاب می‌کردند و از آن پس به هر فرد انقلابی و رادیکال اطلاق می‌شد.

۱۵- ژاکوبین‌ها رادیکال‌ترین جناح سیاسی در انقلاب کبیر فرانسه بودند و از آغاز سرنگونی ژیروند در سال ۱۷۹۱ تا زمان ترمیدور یعنی سال ۱۷۹۴ جناح غالب در رهبری بودند.

۱۶- اشاره به "ده فرمان" حضرت موسی که به عنوان وحی منزل معرفی شده است.

۱۷- بین الملل دهقانان: در سال ۱۹۲۳ توسط کومینترن تشکیل شد. این تجربه موفقیت‌آمیز نبود و این سازمان در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ منحل شد.

- ۱۸- متفقین امپریالیست: اتحاد انگلستان، فرانسه، روسیه و تزاری، بلژیک و بعداً ایالات متحده در جنگ جهانی اول.
- ۱۹- دوما: نام پارلمان روسیه در زمان تزار، نمایندگان این مجلس از طریق انتخابات بسیار محدود تعیین می شدند.
- ۲۰- ساراتوف: نام منطقه ای در ناحیه ی جنوب شرقی بخش مرکزی اروپایی روسیه.
- ۲۱- "استاد" جهل و بی صداقتی: اشاره به یکی از نطق های استالین که در آن خود را استاد انقلاب نامید.
- ۲۲- زمستی: اعضاء سازمان خودمختار اداری محلی (زمستوا) که در اواخر دوران حکومت تزاری بر پا شد و قدرتش محدود و اشرافیت لیبرال در آن غالب بود.
- ۲۳- تپل یورا (۱۹۲۶-۱۸۷۷): دبیر کل نظامی اوکرائین بود سپس در رأس اوکرائین قرار گرفت. تپل یورا پس از استقرار حکومت شوراها به خارج فرار کرد.
- ۲۴- تزاریزم سوم ژوئن: در سوم ژوئن ۱۹۰۷ پیروزی ضدانقلاب توسط روی کار آمدن یک حکومت دست راستی تحکیم شد و ارتجاع پیروزمند، خفقان شدید و سرکوب جنبش کارگری را در پیش گرفت.
- ۲۵- دوران چهار دوما: فاصله ی زمانی مابین تشکیل چهار دوما (پارلمان تزاری) از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ که دوران خفقان تزاری بود.
- ۲۶- پاسیفیزم: اندیشه ای که با هر نوع جنگ بدون توجه به ماهیت آن مخالفت می ورزد. طرف داران این طرز تفکر معتقدند که اختلافات ملی و

بین‌المللی باید از طرق مسالمت‌آمیز حل شود و توسل به قهر را چه از طرف ستم‌دیدگان و چه از طرف ستم‌گران محکوم می‌کنند.

۲۷- پورسلی: منسوب به پورسل از رهبران رفرمیست جنبش کارگری انگلستان در دهه ی ۱۹۲۰ (رجوع شود به فهرست شخصیت‌ها).

۲۸- هوهن زولرن: آخرین خاندان سلطنتی در آلمان که توسط انقلاب ۱۹۱۸ آلمان سرنگون شد و "جمهوری وایمر" جایگزین آن شد.

۲۹- هاپسبورگ: آخرین خاندان سلطنتی اتریش که پس از پایان جنگ جهانی اول منقرض شد.

۳۰- پوچیزم: قیام ماجراجویانه یک اقلیت که بدون توسل به توده‌ها و شرکت آنان در قیام صورت گیرد "پوچ" در اصطلاح سیاسی نام دارد و طرف‌داری از این "پوچیزم" نامیده می‌شود.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب‌خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲